

خبر

برنامه‌های سلامت‌محور نیاز به انقلاب محتوایی دارند

مسعود صابری، پزشک متخصص جراحی مغز و اعصاب که در برنامه‌های تلویزیونی هم به‌عنوان مجری حضور داشته است، با ضعیف خواندن برنامه‌های تلویزیونی در حوزه سلامت و پزشکی، از نگاه کاسبکارانه به این حوزه انتقاد کرد. مسعود صابری که پیش از این در برنامه‌های تلویزیونی مانند اکسیر به‌عنوان اجراکننده حضور داشته است، گفت: متأسفانه در حوزه پزشکی و سلامت نه‌تنها با تعداد بسیار اندکی از برنامه‌ها روبه‌رو هستیم، بلکه همین انگشت‌شمار برنامه‌های موجود نیز گاهی حداقل‌ترین استانداردهای محتوایی را ندارند. او افزود: در کشورهای توسعه‌یافته بیش از سه دهه است به این نتیجه رسیده‌اند که رسانه‌های جمعی پرمخاطب، بهترین گزینه برای اشاعه سلامت و پایین آوردن هزینه‌های سنگین این بخش برای دولت‌ها هستند، اما ما هنوز هم به‌عنوان برنامه‌های صرفا سرگرم‌کننده با آن برخورد می‌کنیم که اگر اسپانسر نباشند اصلا تولید نمی‌شوند. صابری ادامه داد: بسیاری از برنامه‌های موجود در راستای انتفاع اسپانسرهایشان تولید می‌شوند که البته این چیز مضمومی نیست، اما نه در حوزه‌ای مثل سلامت. در این حوزه باید سلامتی مردم اولین و آخرین اولویت باشد و تولیدکننده نباید دغدغه این را داشته باشد که برای تأمین هزینه‌هایش، محتوای برنامه را به شکل خاصی تغییر دهد. مسعود صابری همچنین گفت: با توجه به ساختار صداوسیما در ایران، به جرئت می‌توان گفت اگر رسانه ملی حمایت نکند، ساخت برنامه سالم، جذاب و پرمخاطب در حوزه سلامت و آموزش مسائل پزشکی غیرممکن است. او افزود: در حال حاضر و با برنامه‌های موجود در حوزه تلویزیون، باید گفت نیازمند یک انقلاب فرمی و محتوایی در حوزه سلامت در تلویزیون هستیم؛ چراکه برنامه‌های موجود غالباً تنها در حوزه فرم توانسته‌اند تا حدی خود را به‌روز کنند و در سباز به محتوا کماکان با کلیشه‌های تکراری مجری و کارشناس روبه‌رو هستیم که عیوض به زحمت می‌شود گفت محتوای مطرح‌شده حداقل استانداردها دارد. صابری با تأکید بر لزوم تغییر سیاست‌های مدیریتی در حوزه برنامه‌های سلامت‌محور گفت: نباید به این حوزه نگاه کاسبکارانه‌ای داشت؛ چون کوچک‌ترین خطاهای در آن می‌تواند با جان مردم بازی کند و از سویی هم هزینه‌های هنگفت برای دولت‌ها به وجود بیاورد.

بازتاب

واکنش سازمان بیمه سلامت ایران به گزارش «شرق»

سازمان بیمه سلامت ایران، با ارسال جوابیه‌ای به روزنامه شرق، نسبت به گزارش «دردسر مزمن دارو، واکنش نشان داد. متن این جوابیه به شرح زیر است: سردبیر محترم سایت شرق، با سلام و احترام؛ با توجه به درج مطلبی در روز دوشنبه مورخ ۱۴/۳/۲۲ آن رسانه وزین و مردمی با موضوع «دردسر مزمن دارو» خواهشمندم است دستور فرمایید تا مطلب فوق جهت تبویر افکار عمومی در آن رسانه وزین و مردمی منعکس گردد. به استحضار می‌رساند پیچیده‌تر شدن مسائل در بخش سلامت و به‌طور خاص در موضوعات مربوط به حمایت‌های بیمه‌ای، بیش از هر چیز با متعقدشدن و افزایش پوشش‌های بیمه‌ای برای مردم ایجاد شده است. اضافه‌شدن بیش از ۱۰۰ گروه بیماری در صندوق خاص و صععب‌العلاج که مشتمل بر بیش از ۳۵۰ بیماری مختلف است، با استفاده از بستر سامانه الکترونیکی صورت گرفته است. محاسبه و پرداخت بارانه دارو، حمایت یارانه‌ای از شیرخشک، حمایت از درمان ناباروری و بسیاری از تکالیف قانونی دیگر، تنها بر روی بستر این سامانه قابل انجام بوده است. یقیناً بدون این بستر الکترونیکی، انجام تکالیف قانونی و مطالبات مردم اساساً ممکن نبوده‌است. بنابراین نسخه‌نویسی الکترونیکی یک تسهیلگر بسیار اثربخش و ارزشمند برای تکالیف قانونی و مطالبات بحق مردم در حوزه بیمه و حمایت‌های بخش درمان و سلامت شده است. برای تحویل دارو از روی نسخه الکترونیک معمولاً از چند سامانه استفاده می‌شود. برای حدود ۹۰۰ قلم دارو سرویس استعلام اصالت که به سامانه‌تای تک معروف است از جانب غذا و دارو استعلام مربوطه را به داروخانه پاسخ می‌دهد. برای استفاده از استحقاق بیمه جهت داروهای تحت پوشش، چندین سرویس روی سامانه‌های نسخه‌نویسی الکترونیک مرتبط با تأمین اجتماعی و بیمه سلامت نیز استعلام می‌شود. بنابراین احتمال اینکه کار بیمار از هر یک از این سه سازمان دچار چالش باشد وجود دارد. ذکر این نکته الزامی است که مطابق دستور مدیرعامل محترم سازمان بیمه سلامت، با شروع روند به‌روزرسانی سیستم نسخه‌نویسی و امکان ایجاد تأخیر در پاسخ سیستم، امکان نسخه‌نویسی کاغذی که پیش‌تر نیز در سازوکار بیمه‌ای میسر بوده، مورد تأکید بیش از پیش قرار گرفته‌است. همچنین بنا بر دستورالعمل‌های صادرشده، تحویل دارو با تعهد بیمه به بیماران حتی بدون ثبت در داروخانه نیز طی این مدت میسر است. درخصوص قطعی سامانه باید‌عنوان کنیم هیچ‌گونه قطعی در سامانه نسخه‌نویسی الکترونیک سلامت سازمان بیمه سلامت نداشته‌ایم و مسئله محدود به ایجاد تأخیر در پاسخ در برخی سرویس‌ها (به‌عنوان زیرسامانه‌های نسخه‌نویسی) بوده است. گواه این موضوع نیز آمارهای موجود از نسخه‌نویسی الکترونیک در هفته گذشته -که فرایند بروزریسانی و ارتقای سیستم آغاز شده- است. مطابق آمار، در پایین‌ترین حالت، روزانه بیش از ۱۵۲ هزار نسخه به‌صورت الکترونیک در سامانه وارد شده که گواه استمرار ارائه خدمات الکترونیک است. همچنین به‌صورت میانگین در هفته گذشته تعداد بیش از ۲۵۰ هزار نسخه در سامانه ثبت شده است. اگرچه این تعداد با سقف تعداد نسخ درحده در سامانه طبق طی روز (رکورد روزانه) که حدود نیم‌میلیون نسخه است فاصله دارد، اما دلیل محکمتری بر استمرار ارائه خدمات نسخه‌نویسی الکترونیک و فقدان قطعی در سیستم است. اساساً الکترونیکی‌سازی فرایند‌ها به شفاف‌شدن آنها کمک می‌کند. بسیاری از تخلفات در بسترهای سنتی صورت می‌گیرد و عملاً حتی امکان رصد آنها میسر نمی‌شود. الکترونیکی سازی به طرز معجزه‌آسایی منجر به شفاف‌شدن روند‌های اجرایی شده است. اگرچه امکان بروز خطا در هر سیستمی وجود دارد و ممکن است به‌صورت استثنا چنین رخدای واقع شده باشد، اما بایستی مجدداً تأکید شود بیمه سلامت به‌عنوان راهکارهای جایگزین در صورت بروز چنین استثنائاتی مواردی همچون پذیرش نسخ کاغذی و همچنین پرداخت خسارت متفرقه را در دستور کار قرار داده است. بنابراین اگر حسب اتفاق، نسخه‌ای از جانب پزشک به‌صورت الکترونیک نوشته شود ولی در سیستم نسخه‌نویسی برای داروخانه قابل رویت نباشد، بیمار می‌تواند با نسخه کاغذی مشابه اقدام به دریافت دارو تحت پوشش بیمه نماید. اگر نسخه قابل رویت باشد ولی امکان محاسبه بیمه‌ای آن (به دلایل فنی سامانه) وجود نداشته باشد، امکان پرداخت هزینه‌ها از سوی سازمان بیمه‌گر به بیمه‌شده پیش‌بینی شده که تحت عنوان خسارت متفرقه انجام می‌شود. امکان دیگری که در این زمینه فراهم شده، رسیدگی با مسئولیت سازمان بیمه سلامت است که به‌صورت اعطای اختیار به مدیران منطقه‌ای این سازمان انجام شده تا بتوانند هرگونه کندی در روند را جبران نمایند. شایان ذکر است در حال حاضر روزانه بین ۳۵۰ تا ۵۰۰ هزار نسخه تنها در سامانه نسخه‌نویسی الکترونیکی بیمه سلامت ثبت می‌شود. در همین حدود نیز در سامانه تأمین اجتماعی ثبت نسخه روزانه وجود دارد. این عدد در شهریورماه ۱۴۰۰ و پیش از دستورالکب رئیس‌جمهور محترم مبنی بر همکاری دستگاه‌های مختلف در اجرای الزامی نسخه‌نویسی الکترونیک، برای بیمه سلامت روزانه بین دو تا سه هزار نسخه ثبت می‌شده. رشد ۲۰۰ برابری نسخه‌نویسی طی مدت یک سال افتخار بزرگی برای دولت محترم بوده است که زیرساخت دیگر اصلاحات بخش سلامت را تشکیل می‌دهد.

شرق، نزدیک به یک ماه است که تصاویری از حصارکشی در بخش جنوبی پارک لاله منتشر شده است. در این مدت پیگیری‌های فعالان محیط زیست و شهروندان تهرانی که به این پارک قدیمی تردد داشتند، درخصوص دلیل این حصارکشی‌ها به نتیجه مشخصی نرسید تا اینکه تجهیز این محدوده به کانکس کارگاهی و صحبت‌های برخی از کارکنان پارک درباره احتمال آغاز به کار ساخت بنایی که هنوز مشخص نیست قرار است بنایی اداری باشد یا فرهنگی، سبب اعتراض عمومی شد.

مرتضی هادی‌جابری مقدم، عضو هیئت علمی دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران، با حضور در پارک لاله مقابل حصارهای ضلع جنوبی پارک لاله ایستاد و خطاب به مردم گفت: محدوده‌ای بالغ بر سه هزار مترمربع را برای انجام عملیات عمرانی به‌طور کامل حصارکشی کردند. بعد از آنکه حساسیت‌ها درخصوص این پارک افزایش پیدا کرد، خبرهایی درباره ایجاد فرهنگسرا، ساختمان اداری و پارکینگ منتشر شد. در هر صورت کارگاه ساختمانی در حال احداث است.

به گفته او در این محدوده درختان انبوه و قدیمی وجود دارد و بعید به نظر می‌رسد هیچ مدیریت خردمندانه‌ای چنین تصمیمی را برای این نقطه از مرکز شهر تهران بگیرد. ما در مرکز شهر یک فضای سبز و آزاد مشابه پارک لاله نداریم و متر به متر این پارک ارزشمند است. به‌هیچ‌وجه صلاح نیست در این نقطه، چنین اتفاقی بیفتد؛ نه از نظر کارشناسی و نه از نظر قانونی. در این پارک نیاز به ساخت‌وساز هیچ بنایی نداریم. محمدکرمی آسایش، کنشگر و پژوهشگر شهری نیز در شبکه اجتماعی ایکس تصاویری از تجمع شهروندان در پارک لاله در اعتراض به حصارکشی و تخریب فضای سبز توسط شهرداری تهران منتشر کرد.

او با اشاره به تجمع خودجوش دوستاران محیط زیست برای جلوگیری از تخریب بیش از سه هزار مترمربع از فضای سبز بوستان لاله به بهانه ساختمان اداری شهرداری، فرهنگسرا، پایگاه فرهنگی و حتی استفاده تجاری نوشت: «مسئله مخالفان با ساخت‌وساز پارک، اصل ساخت‌وساز غیرقانونی در پارک است نه کارکرد آن مثل مسجد و…».

پیش از این هم کانال خبری دیده‌بان زیست‌بوم ایران -که موضوع حصارکشی پارک قیطریه را اطلاع‌رسانی کرده بود- اعلام کرده بود، بخش بزرگی از پارک لاله که مملو از درختان کهنسال است، به‌تازگی حصارکشی و گفته شده قرار است در آنجا «ساختمانی از طرف شهرداری» احداث شود.

در این کانال تأکید شده با توجه به تعرضات و دستکاری‌هایی که در بوستان‌های دیگر از جمله پارک اندیشه و پارک قیطریه در حال وقوع است و پیش‌تر هم با حذف درختان و احداث بنا در این پارک صورت پذیرفته، خطر جدی است. از کنشگران و مردم می‌خواهیم نسبت به حذف عرصه مهمی از این بوستان مرکزی شهر و حذف درختان کهنسال و ارزشمند آن با حساسیت بیشتری برخورد کنند و اجازه ندهند اتفاقات گذشته و تعرضات مشابه به دیگر پارک‌ها، در اینجا تکرار شود.

مهدی بابایی، عضو شورای شهر تهران نیز درباره ساخت‌وساز در بوستان‌ها، هرگونه فعالیت عمرانی برخلاف مصوبات شورا که منجر به تخریب فضای سبز و درختان شود را غیرقانونی دانسته

بود. عباس آخوندی، استاد دانشگاه تهران و وزیر کابینه‌های مرحوم اکبر هاشمی و حسن روحانی هم در واکنش به حصارکشی و احتمال ساخت‌وساز در پارک لاله، در کانال تلگرامی‌اش نوشت: «واقعاً نمی‌دانم چه از جان شهر و مردم می‌خواهند؟ چه لجاجتی با زندگی مردم دارند؟ شگفت آنکه نهادهای دینی که آشکارا می‌بینند از نسام دین چنین



حصارکشی پارک لاله خاطره پارک قیطریه را زنده کرد

پارک خواری پشت نقاب «زنده باد درخت»

سوا، استفاده می‌شود، خاموش اند.

نهادهای به‌اصطلاح اصولگرا معلوم نیست به چه اصلی وفادارند؟ دولت و وزارت راه و شهرسازی درباره این تخلفات آشکار از طرح جامع و تفصیلی و حقوق شهروندی مردم بی‌تفاوت‌اند. قسوه قضائیه نسبت به این‌گونه امور حساسیت خود را از دست داده است. چگونه اینان به خودشان اجازه می‌دهند در شهری که اغلب روزهای سال در وضعیت هوای ناسالم است، این‌گونه به تخریب پارک‌ها و قطع درختان دست یازند؟ شمایان از کجا آمده‌اید که زندگی مردم برایتان پیشیزی ارزش ندارد؟ شورای شهر چه می‌کند؟ نهادهای مدنی کجایند؟ احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب چرا لب به اعتراض نمی‌گشایند؟ آیا نباید قدری آزادگی داشت و در برابر این تخلفات ایستادی کرد؟ ما را چه می‌شود؟».

اما مهدی عباسی، رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران که پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت به پارک لاله رفته بود، درباره حصارکشی پارک لاله و زمزمه‌های ساخت‌وساز در بخش جنوبی این پارک قدیمی به سایت الگویاران گفته است: پیگیری و گفت‌وگوهایی با ریاست شورای شهر، معاون خدمات شهری شهردار و شهردار منطقه داشتیم و بر اساس هماهنگی و گفت‌وگوی انجام‌شده با معاون خدمات شهری، پروژه‌ای در این نقطه احداث نمی‌شود. او درخصوص احتمال ساخت مجتمع فرهنگی و هنری در این نقطه هم گفت: ما مخالف ساخت مجموعه‌های فرهنگی و هنری نیستیم، اما هر چیز در جای خودش. در جنوب بولوار گشاورز اراضی توسعه دانشگاه تهران وجود دارد که چندصد متر با این نقطه فاصله دارد؛ می‌توان برای ساخت چنین مجموعه‌هایی با آنها تفاهم کرد. پارک قدیمی لاله با درختان کهنسال از دارایی‌های معنوی و ارزشمند شهر است که باید از آن محافظت کرد.

دو خبرنگاری مهر و فارس نیز گزارشی درخصوص حصارکشی پارک لاله نوشته‌اند. مهر نوشته است: روابط عمومی شهرداری منطقه ۶ در این زمینه اعلام کرد: هرگونه دخل و تصرف در بوستان‌ها بر عهده سازمان بوستان‌هاست و شهرداری مناطق فقط در بحث نگه‌داشت بوستان‌ها دخیل است.

یکی دیگر از مدیران شهری هم گفته: سرانجام حصارکشی مشخص نیست و شاید کلا طرحی که مدنظر بوده لغو شود و اجرایی نشود. ساخت فرهنگسرا و سرویس بهداشتی ازجمله پروژه‌های مطرح‌شده بوده که اجرای آن فعلاً تعلیق شده و سرانجام آن مشخص نیست. اما فارس به نقل از یک مسئول شهرداری که نامش را ذکر نکرده، نوشته است: این حریم‌سازی بر اساس نیاز پارک و بنا بر درخواست مردم بعد از برگزاری جشن‌ها و مراسمات متنوع ماه‌های قبل صورت گرفته و برای پروژه ایجاد فضای عمومی و آبنما برای زیاسازی بوستان لاله است و قرار نیست حتی یک درخت هم در آنجا قطع شود. همچنان که برای کل پارک لاله پروژه بزرگ روشنایی برای بهره‌برداری بیشتر مردم در نظر گرفته شده است تا این پارک با ظرفیت بالاتری در خدمت مردم باشد.

این در حالی است که این پارک به گفته مراجعه‌کنندگان همیشگی‌اش که این روزها نگران از بین رفتن بخشی از پارک هستند، نیاز به هیچ‌گونه بنایی ندارد. محمد متین‌بی‌زاده، عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، به تناقض تابلوهای تبلیغاتی شهرداری با شعار زنده باد درخت اشاره کرده و نوشته است: «شهرداری در و دیوار شهر را پر کرده از تابلوهایی با شعار اصلی زنده باد درخت و نیز آمارهایی در کاشت‌هایی که در این چند وقت انجام داده است. نمی‌دانم چرا این همه هزینه



می‌کنند که بگویند ما آن‌طور نیستیم، درحالی‌که شواهد بسیاری نشان می‌دهد هستند! در کشوری که مصانیش برای عناصر طبیعی‌اش فراوان است، اصلی‌ترین سیاست باید حفاظت باشد. متأسفانه نیست؛ چه در طبیعت چه در شهر. ارزش اکولوژیکی گیاهان و درختان چندساله در هر کجای زمین چندین برابر کاشت‌های تازه است و گاهی اصلا قیاس‌شدنی نیست؛ چون آنچه با گیاهان سن‌وسال‌دار به وجود می‌آید، ارزشی افزوده‌تر دارد. خاکی که از او تشکیل می‌شود، ارگانیکسم‌هایی که با او زندگی می‌کنند، میزبانی‌هایی که از فون بیرومن‌شان انجام می‌دهند، از یک سو کارآمدتر بودن‌شان در کاهش آلودگی، زیبایی‌های دیداری تکامل‌افته، ظرفیت بیشتر برای رهگیری رواناب و اوفان، کاهش مصرف انرژی و… از سوی دیگر و همه دیگر یافته‌های دانشمندان می‌گوید نخست آنچه را داریم دودستی حفظ کنیم و بعد به فکر احیا و توسعه باشیم. فریب‌دهنده است که توجهی به جنگل چندمیلیون‌ساله هیرکانی نداشته باشیم، کاشت نهال را در بوق و کرنا کنیم. به حریم باغ استثنائی گیاه‌شناسی ملی ایران که ارزش تفریحی-حفاظتی آن ۵۴۳ میلیون دلار در سال برآورد شده، کوچک‌ترین اهمیتی ندهیم، برای حفاظتش خود را به خواب بزنیم، پارک‌های قدیمی و شناسنامه‌های شهر را در تعاریف نادرست از فضای سبز یکنجانیم، به بهانه‌ای چند هزار مترمربع از آنها را حصار بکشیم، آن‌وقت بیایم شهر را با تابلوی زنده باد درخت پر کنیم».

او تأکید کرده است: «شورای شهر تهران باید کاری جدی برای این همه جسرارت به مظلوم‌ترین عناصر زنده هستی انجام دهد. این اعتراضات محققان و کارشناسان حوزه‌های مختلف شهری، سیاسی نیست، برای زیست بهتر شهری است که سنگینی ترافیک، شلوغی و جمعیت بیش از حدش خردش کرده است. زنده باد درخت، اما باید در زمانه کنونی نوشت زنده باد درخت، اما نه هر درختی! آن درختانی که فقط یک‌سری دوست داشته باشند».

بعد از تلاش‌های فعالان شهری برای حفاظت از پارک لاله، کارزاری با عنوان «پارک خورای را متوقف کنید» نیز به راه افتاده است. این کارزار که با هشتگ جای مردان سیاست بنشانی‌د درخت آغاز شده، خطاب به رئیس دیوان عدالت اداری و رئیس فراکسیون محیط زیست و کمیسیون شورا‌های مجلس نوشته است: «شهردار تهران از سال گذشته تهاجم خرنده‌ای را به‌صورت چراغ‌خاموش از طریق تغییر کاربری فضای سبز پارک‌های تهران به زیربناهای اداری، تجاری، فرهنگی و… شروع کرده است…».

در بخش دیگری از این نامه آمده است: «این حرکت ضد محیط‌زیستی تنها مختص به پارک قیطریه نبوده، بلکه در بیشتر پارک‌های تهران عمومیت دارد و پارک قیطریه به نماد این حرکت تبدیل شده است. در بسیاری از پارک‌های تهران قسمتی از فضای سبز پارک از طریق حصارکشی است و قرار نیست حتی یک درخت هم در آنجا قطع شود. همچنان که برای کل پارک لاله پروژه بزرگ روشنایی برای بهره‌برداری بیشتر مردم در نظر گرفته شده است تا این پارک با ظرفیت بالاتری در خدمت مردم باشد. این در حالی است که این پارک به گفته مراجعه‌کنندگان همیشگی‌اش که این روزها نگران از بین رفتن بخشی از پارک هستند، نیاز به هیچ‌گونه بنایی ندارد. محمد متین‌بی‌زاده، عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، به تناقض تابلوهای تبلیغاتی شهرداری با شعار زنده باد درخت اشاره کرده و نوشته است: «شهرداری در و دیوار شهر را پر کرده از تابلوهایی با شعار اصلی زنده باد درخت و نیز آمارهایی در کاشت‌هایی که در این چند وقت انجام داده است. نمی‌دانم چرا این همه هزینه

برخ‌سازها برای خشک‌کردن تدریجی درختان باغ‌های تهران و تغییر کاربری آنها تاکنون از آن بهره برده‌اند.» در بخش دیگری از این نامه تأکید شده است: «درحالی‌که کمر به قطع درختان شهر و مرگ تدریجی آنها بسته‌اند، شهر را با شعار زنده باد درخت پر کرده‌اند. حکایت آنها که به‌جای کاشتن درخت و توسعه فضای سبز پارک‌ها، تابلوی زنده باد درخت می‌کارند و در همان حال به قصد پاک‌سازی درختان پارک‌ها را محصور و فضای سبز را غصب می‌کنند».

نخواه‌ای یک هافبک چپ

اعتراضات دانشجویی آمریکا و پلیس خیرنگاران مشغول کارند!



سحرطلوعی

برخورد پلیس آمریکا با دانشجویان هوادار فلسطین در پردیس‌های دانشگاهی ایالات متحده این روزها یکی از سوز‌های بخش‌های خبری صداوسیما ماست. در هر بخش خبری روزانه ما تصاویر بسیار باکیفیت و شفاف از پردیس‌های دانشگاهی و دانشجویان معترض که چادرهای کمپینگ را در محوطه برپا کرده‌اند، می‌بینیم و البته صف‌های فشرده مأموران پلیس را. این دانشجویان برای موضوعی که از قضا به مذاق دولتمردان ایالات متحده خوش نمی‌آید تجمع کرده‌اند، اما رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید اعتراض حق آنهاست، فقط شیشه نشکنند و از سردادن شعارهای نژادپرستانه بپرهیزند… تلویزیون ما می‌خواهد خشونت پلیس را در برخورد با دانشجویان آمریکایی نقد کند و حضور مأموران را در محیط دانشگاهی به تصویر بکشد، اما نخستین موردی که به ذهن من روزنامه‌نگار مخاطب این تصاویر می‌رسد، چیز دیگری است. با خود می‌گویم چه تصاویر شفاف‌گی در در آن همه جزئیات مشخص است؛ از چهره پلیس و نشان روی سینه و بازو تا نحوه برخورد آنها و دانشجویان و شعارها و مکالماتی که رد و بدل می‌شود. به عبارت بهتر ذهن من مخاطب می‌رود سراغ خبرنگار و فیلم‌بردار و عکاسی که در نهایت امنیت در محیط اعتراضات حاضر است و کار خود را می‌کند. نه پلیسی برای او خط و نشان می‌کند، دوربینش را می‌شکند که چرا تصاویر ما را ضبط می‌کنی و نه نیروهای دیگر در صحنه حاضر هستند برای جمع‌کردن و بردن و دورکردن خبرنگار و عکاس و معترض. آن پلیس می‌داند اگر خشونتی هم مرتکب شود و اضافه‌کاری کند، باید پاسخگو باشد، همان‌طور که در ماجرای جورج فلوید بود و برکنار شد و حتی همسرش از او طلاق گرفت. در صحنه اعتراضات دانشجویی دانشگاه‌های آمریکا هرکس کار خودش را می‌کند؛ دانشجوی معترض شعار می‌دهد، تحصن می‌کند و حتی گاهی کلاس را به هم می‌ریزد. پلیس برخوردانه‌شده از سوی رؤسای دانشگاه در صحنه حضور دارد برای کنترل جمعیت معترض و برخورد با هرج‌ومرج؛ لاید خشونت هم می‌کند و اشتباه هم مرتکب می‌شود. از همه مهم‌تر اینکه خبرنگار و عکاس هم سسر صحنه است و همه وقایع را ثبت و ضبط می‌کند تا پلیس خاطی ادعا نکند پلیس‌نما‌ها در صحنه حاضر بوده و اشتباهاتی مرتکب شده‌اند. جالب اینکه نه‌تنها خبرنگاران و عکاس‌های آمریکایی در صحنه اعتراضات حاضر هستند که خبرنگاران کشورهای دیگر هم کار خودشان را می‌کنند و حتی به بخش مستقیم و زنده تصاویر جمععات می‌پردازند؛ از جمله خبرنگار جمهوری اسلامی ایران که تا به حال در محدوده این اعتراضات حاضر بوده و خبر و گزارش و فیلم ارسال کرده است. برای مثال، من مخاطب روز پنجشنبه سیزدهم اردیبهشت در بخش خبری ساعت ۱۴ شبکه اول سیما تصویری زنده و مستقیم از تحصن دانشجویان در محوطه یکی از پردیس‌های دانشگاهی لس آنجلس را دیدم. تا امروز که این جمععات و ماجراهای پیشین و مشابه را دنبال کرده‌ایم نشنیده‌ایم خبرنگاران حاضر در میدان پس از انتشار خبرها و گزارش‌ها و عکس‌ها به ارتباط با دولت‌های متخاصم متمم شوند، برای ارائه پاره‌ای از توضیحات احضار یا دعوت شوند، کار به بازداشت و حبس و قید وثیقه بکشند و مواردی از این دست، یادمان بیاید

آن‌کس که صحنه خشونت مرگ‌بار پلیس آمریکا را با جورج فلوید فیلم‌برداری کرد، خبرنگار نبود و شهروندی معمولی و صاحب گوشی دوربین‌دار بود. او با انتشار آن فیلم تا مدت‌ها ایالت‌های مختلف آمریکا را درگیر جنبش «زندگی سیاه‌ها مهم است» کرد. جنبشی که موج آن به بریتانیا و دیگر کشورها هم رسید، اما منشرکننده آن تصویر نه تنها به جاسوسی برای کشورهای دیگر متمم نشد که جایزه گرفت. آن فرد برخورد پلیس با مظنون و فرد بازداشتی تغییر کند و از جمله فشار زانو بر گردن از رفتار پلیس حذف شود. او مجرم نبود، خبرنگار بود.